

وضعیت صحت کشور و چالش های فراروی آن

عیدالله هروی

سرمقاله

پاسخ دولت به طالبان چیست؟

محمد رضا هویدا

پس از شروع جنگ های داخلی در افغانستان، همواره از جاده ها به عنوان یک اهرم فشار بر مردم بیدفاع و بی گناه استفاده شده است.

کسانی که جنگ های داخلی را به یاد دارند، پسته های در امتداد جاده ها را خوب به یاد می آورند که از مردم به زور پول گرفته می شد و با افرادی از موثر پایین شده و به قتل می رسید و یا به گروگان گرفته می شود.

این سنت در زمان طالبان و هم پس از آن توسط طالبان و گروه های مسلح غیر قانونی تعقیب شد.

اما طالبان در سالهای اخیر از این حربه به عنوان یک تاکتیک جنگی استفاده کرده اند. دهها انسان بی گناه و غیر نظامی توسط طالبان از موثرها پایین شده اند و گردن زده شده اند یا به هر صورتی به قتل رسیده اند.

اگر به عملکرد طالبان در طول سالهای گذشته دقت کنید، به خوبی می بینید که ارتباطی عمیق میان جاده و پیشرفت وجود دارد و طالبان از آن بیم دارند که جاده ها در کشور ساخته شوند. به همین دلیل نیز طالبان همواره سعی کرده اند جاده ها را خراب کنند.

طالبان جاده ها را که یکی از بخش های کلیدی و زیربنایی اقتصاد کشور بوده را هدف قرار داده و تخریب کرده اند.

طالبان از هر اهرمی استفاده کرده اند تا علاوه بر خراب نمودن جاده ها، آنها را ناامن سازند. طالبان مسافران از موثرها پایین کرده و گردن زده اند. اما دولت در مقابل نتوانسته از سرمایه گذاری های کلیدی که در سرک ها و جاده ها به مصرف رسیده است به خوبی محافظت نماید. سرک هایی که از مرکز به سوی ولایات کشیده شده و به مرکز را به ولایات می رسانند هم تخریب شده و هم ناامن شده است.

طالبان از سرک ها و گروگان گیری در سرک ها به عنوان حربه تبلیغاتی استفاده می نمایند.

طالبان به خوبی می دانند که رهگیری در جاده و قتل و کشتار و گروگان گیری بیشترین میزان ترس و وحشت را در میان مردم ایجاد می کنند و از سوی به خاطر ضعف دولت در حفاظت از جاده ها و مسافران، هزینه کمی نیز برای طالبان در بر دارد. لذا طالبان از این حربه بارها استفاده کرده اند.

تکرار عمل گروگان گیری در سرکها و ربودن مسافران، در صورتی که به یکی از شیوه های روزمره طالبان و دیگر گروه های مسلح غیر مسئول مبدل شود، دولت نتواند در این قسمت کاری از پیش ببرد و یا با اهمال و مسامحه برخورد کند. اتورتیه دولت را به شدت تضعیف خواهد کرد.

در عین حال فاصله ای که میان دولت و مردم ایجاد شده بیشتر می شود و دیوار اعتمادی که می بایست میان دولت و مردم وجود داشته باشد، به فروریختن نزدیک می شود.

دولت افغانستان باید در مقابل ربودن مسافران در راه ها و شاهراه های افغانستان حساسیت ویژه ای داشته باشد و نگارد طالبان و یا هر گروه دیگری که دست به گروگان گیری و ربودن مسافران می زند از این حربه برای دامن زدن ترس و وحشت میان مردم و همین گونه ایجاد اختلاف و نفاق در میان اقوام کشور استفاده کنند.

دولت افغانستان مطمئنا این توانایی را دارد که بتواند به طالبان و کسانی که مسافران را ربوده اند و یا می ربایند، ثابت بسازد که در دفاع از مردم افغانستان هیچ دروغی نخواهد کرد و می تواند از جان و مال مردم حفاظت نماید.

اغراق آمیز نیست، کسانی که گفته اند شاهراه ها و جاده ها، شاهرگ های یک کشور هستند. اگر طالبان بتوانند از اهرم ربودن مسافران برای بارهای بیشتری استفاده کنند، مطمئنا می توانند در مواردی دیگری نیز بر علیه دولت استفاده کنند.

بنابر این دولت افغانستان از هر طریقی که بتواند، باید برای رهایی مسافران ربوده شده و امنیت بیشتر جاده استفاده کند تا فرصت بیشتری به گروه های تروریست فراهم شود و همین گونه بتواند اعتماد مردم به دولت را بیشتر بسازد.

چند روز قبل وزیر صحت عامه کشور طی نشست خبری از وضعیت تسكان دهنده صحت در کشور پرده برداشت. وضعیتی تاسف بار که بر سایر زمینه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کشور نیز اثر منفی بر جای گذاشته است. وزیر صحت عامه در این نشست خبری اظهار داشت که ۵۰ درصد از شهروندان به خدمات اساسی صحتی دسترسی ندارند. وی در ادامه این اظهارات به نکته تسكان دهنده دیگری اشاره نموده افزود: به دلیل نبود خدمات معیاری در شفاخانه های افغانستان، سالانه ۳۰۰۰ میلیون دلار پول افغان ها به کشورهای همسایه سرازیر می شود.

چند روز قبل وزیر صحت عامه کشور طی نشست خبری از وضعیت تسكان دهنده صحت در کشور پرده برداشت. وضعیتی تاسف بار که بر سایر زمینه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کشور نیز اثر منفی بر جای گذاشته است. وزیر صحت عامه در این نشست خبری اظهار داشت که ۵۰ درصد از شهروندان به خدمات اساسی صحتی دسترسی ندارند. وی در ادامه این اظهارات به نکته تسكان دهنده دیگری اشاره نموده افزود: به دلیل نبود خدمات معیاری در شفاخانه های افغانستان، سالانه ۳۰۰۰ میلیون دلار پول افغان ها به کشورهای همسایه سرازیر می شود.

آزچه وزیر صحت عامه کشور در این نشست خبری به آن اشاره نموده است در واقع بخشی از وضعیت رقت باری است که مردم ما با آن دست و پنجه نرم می کنند. گزارش های مربوط به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و صحتی کشور حکایت از آن دارد که افغانستان هنوز از شرایط بحرانی خارج نگردیده است. چالش های موجود در این زمینه ها مخصوص در عرصه های که می توان از آن بعنوان زیر بنا یاد نمود چشم انداز آینده کشور را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. حال که سخن بر وضعیت صحتی کشور آمده است لازم است که اندکی به دیگر گزارش های نشر شده درباره وضعیت صحتی کشور طی سال گذشته اشاره گردد. وزیر صحت عامه کشور در آخرین روزهای ماه دلو سال گذشته در یک نشست خبری اعلام داشت که بیش از بیست هزار نفر در این کشور به بیماری سرطان مبتلا هستند و شانزده هزار تن دیگر در اثر این بیماری جان شان را از دست داده اند. . دکتر ریچارد پیپر کارن، نماینده سازمان صحتی جهان در افغانستان نیز ضمن تایید اظهارات وزیر صحت عامه گفت در افغانستان ارقام درستی از تعداد مبتلایان به سرطان معلوم نیست، با آن هم سرطان شش، معده، مری و جوف دهن زیادتر معمول می باشد. هم چنین در بخش های دیگری از اظهارات وزیر صحت عامه کشور راجع به وضعیت صحت از رقم بالای مرگ و میر بر اثر بیماری سل

در درجه بندی های سازمان ملل متحد در ردید کشورهای رويه انكشاف در صف كشورهای كم ترين انكشاف یافته قرار دارد. همین طور گفته می شود که افغانستان از نظر درجه بندی در میان کشورهای جهان می باشد، به گونه ای که ۱۹۱ طفل زیر سن ۵ سال در هر ۱۰۰۰ طفل جان خود را از دست می دهد و نیز به همین ترتیب ۱۶۰۰ مادر هر ۱۰۰۰۰۰ هنگام تولد فرزندان شان جان خود را از دست می دهند. به اساس سروری صورت گرفته در سال ۲۰۱۴ ارقام بالا و نیز مرگومیر حدود ۳۵ درصد تمام قوتی های کشور بخاطر مبتلا به بیماری های غیرسازشی می باشد. این در حالی است که برخی از گزارش های تحقیقی نشان می دهد از زمان روی کار آمدن حامدکرزی بعنوان نخستین رئیس جمهور پس از طالبان تاکنون در بخش بهداشت بیشتر از ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار هم وزارت صحت عامه کمک داده شده است. افزون بر آن سازمان های بین المللی هم سالانه میلیون ها دالر را از آدرس خود



این است که میزان فساد و کم کاری در ساختار حکومت در همه عرصه ها فراوان و جدی است. به همان پیمانکه مسئله فساد سایر بخش های کشور را تحت تاثیر قرار داده است عرصه صحت عامه نیز از آن متاثر گردیده است. نکته دیگر این که متأسفانه در ساختار حکومت و برنامه ریزی های آن اولویت بندی های لازم و دقیقی نیز وجود نداشته است. مدیریت و عدم دقت رنج می برده است که هرگز اولویت بندی های اساسی معذرت نبوده است. در شرایطی که بسیاری از بخش های اساسی و بنیادی کشور نیازمند بودجه و حمایت لازم می باشد امکانات و بودجه مورد در موارد غیر ضروری هزینه گردیده است. عدم دقت در اولویت بندی از جانب دیگر سبب گردیده است که در آموزش صورت گرفته نتیجه و دست آورد لازم را به همراه نداشته است. هر چند مقام های حکومتی مدعی هستند که اقدام های بسیار کلان و عمدۀ در راستای ارتقاء صحت در کشور صورت گرفته است، اما بنابه وسعت مساحت تحت پوشش و چالش های سیاسی و امنیتی و نیز نبود بودجه کافی و متخصصین لازم برنامه بهبود صحت در کشور موفقیت لازم را به همراه نداشته است.

برخی اقدام های عملی هنوز مسئله صحت و درمان در کشور یک چالش اساسی بشمار می آید. چالشی که جان میلیون ها انسان درگرو آن قرار دارد. نکته مهم و روشن آن است که حکومت در زمینه بهبود بخشیدن به وضعیت صحتی کشور موفقیت لازم و بایسته را نداشته است. حال پرسش این است که چرا اختصاص یافتن بودجه های یاد شده و نیز تلاش های صورت گرفته نتیجه و دست آورد لازم را به همراه نداشته است. هر چند مقام های حکومتی مدعی هستند که اقدام های بسیار کلان و عمدۀ در راستای ارتقاء صحت در کشور صورت گرفته است، اما بنابه وسعت مساحت تحت پوشش و چالش های سیاسی و امنیتی و نیز نبود بودجه کافی و متخصصین لازم برنامه بهبود صحت در کشور موفقیت لازم را به همراه نداشته است.

ده مرحله نسل کشی

گروزی، ساتان / ترجمه حمید پریان

مرحله ۱. پروپاگاندا ای رسانه های رسمی و مطبوعات و سخنرانی ها بر می شوند از گفتار نفرت آمیز.

مرحله ۲. برای مقابله با انسانیت زدایی، نباید تحریک به نسل کشی را با آزادی بیان اشتباه گرفت. در اجتماعاتی که نسل کشی روی می دهد، هیچ محافظت قانونی و نهادهای از حق آزادی بیان گروه مخالف وجود ندارد، و باید آن جوامع را متجاوز از جوامع دموکراتیک حساب کرد. رهبران مجلسی و بین المللی باید کاربرد گفتار نفرت آمیز را محکوم کنند و در فرهنگ نیز آن را نامقبول سازند. رهبرانی که به نسل کشی تحریک و تشویق می کنند باید از مسافرت های بین المللی منع شوند و حساب های بانکی خارجی شان مسدود شود. ایستگاه های نرفت پراکن باید مسدود یا تعطیل شوند، و پروپاگاندا ای نفرت پراکن باید ممنوع اعلام شود. جرایم و جنایات اجزایی را باید سریعاً محاکمه کرد.

مرحله ۳. سازمان دهی: نسل کشی همیشه امری سازمان دهی شده است که معمولاً توسط دولت ها انجام می شود و این دولت ها اغلب از گروه های شبه نظامی استفاده می کنند تا مسئولیت را از گردن دولت بیاورند (مانند گروه شبه نظامی جنجود در دارفور سودان). سازمان دهی گاهی غیررسمی است (مثل اوپاش هندی به رهبری شبه نظامیان مجلسی آ.ا.اس) یا غیرمتمرکز است (مانند گروه های تروریستی). گروه های ویژه ای اغلب مورد آموزش قرار گرفته و تجهیز می شوند. برنامه هایی برای کشتار نسل کشانه ریخته می شود. اگر در جامعه ای کشمکش نظامی یا خشونت وجود داشته باشد، اقدامات نسل کشانه در قالب اقدامات ضد-سوزش انجام می شوند. برای نمونه، «جنگ کامل» در دوره ای جنگ جهانی دوم روی داد. آتش بسازی و بمب افکنی در این جنگ ها، کشمکش ها، غیرنظامیان را نیز به کشتن می دهد. این جنگ ها منجر به جنایات گسترده ای می شوند. تجاوز گروهی به زنان نیز مشخصه ای مهم از نسل کشی های دوری مدرن است. تجهیزات جنگی به این دولت ها یا شبه نظامیان داده می شود (که اغلب نقض تحریم های نظامی سازمان ملل است) تا اقدامات نسل کشانه تسهیل شوند. دولت ها پلیس مخفی ایجاد می کنند تا افرادی که مظنون به مخالفت

روژنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات آورده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرفهال بیتاگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

قدرت سیاسی استفاده می کند تا حقوق گروه های دیگر را منکر شود. احتمال دارد گروه های محروم و بی قدرت، حتی حقوق مدنی کامل یا حق رای و یا حتی شهروندی محروم شوند. گروه غالب به ایندولوزی انحصارطلبانه ای متوسل می شود که گروه های کم قدرت را از حقوق شان محروم می کند. این ایندولوزی خواهان انحصار یا گسترش قدرت گروه غالب است. این ایندولوزی، قربانی شدن گروه های ضعیف را مشروعیت می بخشد. مدافعان ایندولوزی های انحصارطلب اغلب جذب شخصی (کاریزما) دارند و خشم پیروان خویش را نمایندگی می کنند و از حمایت توده ای مردم برخوردارند. قوانین نورنبرگ (سال ۱۹۴۵) در آلمان نازی، نمونه ای در همین زمینه است: این قوانین، تابعیت آلمانی را از یهودیان می ستاند و استخدام آن ها در دولت و دانشگاه را ممنوع اعلام می کند. سلب تابعیت از اقلیت مسلمان روینگینا در برمه نیز نمونه ای معاصر است. پیشگیری از اعمال تبعیض به معنای توان مهندسازی کامل سیاسی و ایفای حقوق شهروندی همه گروه های جامعه است. تبعیض بر اساس ملیت و قومیت و نژاد و مذهب، باید ممنوع شود. چنان چه دولت یا شرکت ها یا افراد دیگر به حقوق فرد تعدی کرد، فرد باید حق داشته باشد از آن ها به دادگاه شکایت کند.

۴. انسانیت زدایی: گروهی، انسانیت گروه دیگر را منکر می شود. اعضای این گروه، با حیوانات و آفت ها و حشرات و بیماری ها برابر دانسته می شوند. انسانیت زدایی بر نفرت شدید و معمول انسان نسبت به کشتار و قتل فائق می آید. در این مرحله، پروپاگاندا و نفرت پراکنی در مطبوعات و رادیو به کار می رود تا گروه طعمه را بدنام سازند. به گروه اکثریت یاد داده می شود تا گروه دیگر را در مرتبه ای پایینی از انسانیت و حتی خارجی بداند. به گروه اکثریت تلقین می کنند که باور داشته باشند «ما بدون آن ها «گروه طعمه» از وضعیت بهتری برخوردار خواهیم شد». گروه بی قدرتی می تواند، چنان بی شخصیت شود که به جای نام، شماره و عده بگیرند؛ مانند یهودیان اردوگاه های مرگ. آن ها را با کثافت و نجسی و فساد، یکی می گیرند. آدر این

رواج احتمال دارد در آن ها نسل کشی روی دهد. اصلی ترین راه پیشگیری از نسل کشی در مراحل اولیه آن است که نهادهایی فراقوی و عمومی ای ایجاد شود تا تقسیم بندی های قومی یا نژادی را برطرف کرده، و مدارا و تفاهم را فعلاسه ترویج سازد، و طبقه بندی های را توسعه دهد که برای اختلاف ها و تفرقه ها باشند. کلیسای کاتولیک می توانست چنین نقشی را در رواندا بازی کند و نگذارد شکاف قومی در رواندا آن جامعه را دو دسته کند. ترویج زبان مشترک در کشورهایمانند تانزانیا نیز هویت ملی فراقوی را ترویج داده است. برای پیشگیری اولیه از نسل کشی، یافتن زمینه مشترک ضروری است.

۲. نمادسازی: انسان ها برای این طبقه بندی ها نام و نماد اختصاص می دهند. ما برخی را «یهودی» و برخی دیگر را «کولی» می نامیم، و انسان ها را از نظر رنگ پوست و لباس شان متمایز می سازیم؛ و نمادهایی به اعضای این گروه ها اختصاص می دهیم. طبقه بندی و نمادسازی، امری است انسانی و جهان شمول؛ و اگر در مورد گروه ها انسانیت زدایی صورت نگیرد، این طبقه بندی ها و نمادسازی ها خودبه خود و ضرورتاً منجر به نسل کشی نمی شوند. نمادها وقتی با نفرت آمیخته شوند، به اعضای گروه های مطرود تحمیل می گردند. ستاره ای زرد برای یهودیان در دوره نازی ها، روسری آبی برای اهالی منطقه شرقی در حکومت خمرهای سرخ در کامبوج، برای مقابله با نمادسازی، نمادها و گفتارهای نفرت آمیز را می توان غیرقانونی اعلام کرد (مانند مورد صلیب شکسته نازی ها). نشانه های گروهی مانند لباس گروهی یا خیمه های قبیله ای را نیز می توان ممنوع کرد. مشکل این جا است که اگر این کار پشتوانه فرهنگی و حمایت مردمی نداشته باشند، موثر نخواهند بود. گرچه واژه های هوتو و تونسلی تا دهه ۱۹۸۰ در بوروندی واژه های معنوعه بودند، اما واژه های رسمی دیگری جایگزین آن ها شده بودند. با این همه اما اگر طرد نمادسازی ها از پشتوانه ای مردمی وسیعی برخوردار شوند، می توانند بسیار تاثیرگذار باشند؛ برای نمونه، دولت بلغارستان (در جریان جنگ جهانی دوم) چون عمداً تعداد کافی ای نشان زرد رنگ تهیه نکرد، دست کم هشت درصد از یهودیان آن نشان ها را بر خود زوده و ستاره ای زرد که نماد نازی ها برای یهودیان بود از اهمیت اش افتاد.

۲. تبعیض: گروه غالب، از قانون و عرف و صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارگاتورست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷



افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN

The Leading Independent Magazine